



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 15

נר חנוכה מצוה להניחה כו' משמאל, כדי שתהא...

چراغ حنوکا (חנוכה, Chanukah):
فرمانی برای قرار دادن آن در سمت چپ



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/15

1 **נר חנוכה מצוה להניחה כו' משמאל, כדי שתהא מזוזה מימין ונ"ח משמאל. וצ"ל הטעם שאין הנ"ח ג"כ מימין כמו המזוזה.**

«چراغ חנוכה: قرار دادن آن یک فرمان دینی (מצוה, mitzvah) است» و غیره، «در سمت چپ، تا مزوزه (مזوזה, mezuzah) [طومار آیات تورات که بر چارچوب در نصب می‌شود] در سمت راست باشد و چراغ حנוכה در سمت چپ.» و باید علت این را توضیح دهیم که چرا چراغ حנוכה نیز، مانند مزوزه، در سمت راست نیست.

אך יובן בהקדים ביאור מ"ש כל אשר חפץ ה' עשה. וכתוב בדבר ה' שמים נעשו.

اما این مطلب با توضیح نخست آنچه نوشته شده است روشن می‌شود: «هر آنچه نام چهارحرفی (ה', Havayah) خواست، انجام داد؛» و نوشته شده است: «به کلام ה' آسمان‌ها پدید آمدند.»

2 **ובע"מ [ובעשרה מאמרות] נברא העולם שהיו מאמר ודבור. ולא נברא בחפץ ורצון בלבד. והענין כי הנה נודע שלכל הדברים יש חומר וצורה שהחומר הוא ענין הדבר ההוא בכללות דהיינו להיות שמים או ארץ או שמש וירח.**

و «جهان با ده گفتار آفریده شد؛ این گفتارها در قالب گفتار و سخن بودند، نه آنکه جهان تنها با میل و اراده آفریده شده باشد. توضیح مطلب این است: معلوم است که همه چیزها ماده و صورت دارند. ماده، آن چیزی است که آن چیز در کلیت خود هست؛ یعنی آسمان یا زمین بودن، یا خورشید و ماه بودن آن.

והצורה הוא כל ציור וכל תמונה במראה ושטח שיש לכל דבר בדמותו בצלמו על איזה אופן נעשה

و صورت، هر شکل و هر پیکره‌ای است که هر چیز از حیث نمود و سطح دارد، «به شباهت خود، به تصویر خود؛» یعنی شیوه‌ای که بر اساس آن ساخته شده است،

3 **כמו השמים והארץ הם כדורים ומן הארץ לרקיע כו' והשמש והירח הם גלגלים מאירים כו'. וכן עד"ז בכל דבר נברא.**

برای نمونه، آسمان‌ها و زمین کره‌اند و فاصله زمین تا فلک و جز اینها؛ و خورشید و ماه اجرام کروی نورانی‌اند و جز اینها. همین‌طور، هر آفریده‌ای نیز چنین است.

3 **והנה החומר נברא בדבר ה' ובע"מ [ובעשרה מאמרות] שבמאמר יהי אור נתהווה בחי' האור מאין ליש. וכן במאמר יהי רקיע נתהווה הרקיע מאין ליש.**

اکنون، ماده به واسطه کلام ה' و گفتارهای ده‌گانه آفریده شد: با گفتار «روشنایی باشد»، مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) نور از هیچ (ای, ayin) به چیزی (יש, yesh) پدید آمد؛ و به همین‌سان، با گفتار «فلکی باشد»، فلک از هیچ به چیزی پدید آمد.

אבל אופן צורת הרקיע בדמותו בצלמו הוא נעשה בחפץ ה' שלא בא לכלל גילוי בדבור או מאמר.

اما چگونگی صورتِ فلک، «به شباهتِ آن، به صورتِ آن»، به خواستِ ه' پدید آمد؛ خواستی که در گفتار یا کلام به ظهور نرسید.

4 והנה מה שנברא החומר במאמר ודבור ולא נברא הכל בחפץ ה' ורצונו בלבד היא מפני שאז לא הי' [היה]

גילוי מאין ליש רק שהיה העולם בטל במציאות ממש

اکنون، سبب آن که ماده به واسطهٔ گفتار و سخن آفریده شد و همه چیز تنها به خواست و ارادهٔ ه' آفریده نشد، این است که در آن صورت تجلی «از نیستی به هستی» پدید نمی‌آمد؛ بلکه جهان حقیقتاً در وجود خود در مقام خودنهی‌گری (بیטول، bittul) می‌بود.

רק عיקر گילוי היש הוא ע"י דבר ה' כי הוא צוה ונברא

اما تجلی اصلی «هستی» به واسطهٔ کلام ه' است، «زیرا او فرمان داد و آنها آفریده شدند».

פי' צוה מלשון מצות המלך כי מלכותך מכ"ע [מלכות כל עולמים] אין מלך בלא עם שבחי' מלכות היא בחי'

התנשאות והסתלקות שלא יאיר ויתגלה אלא בבחי' שם בלבד.

«فرمان داد» (צוה، tzivah) به معنای «فرمانِ پادشاه» است؛ زیرا «فرمانروایی تو فرمانروایی بر همهٔ عوالم است» و «هیچ پادشاهی بدون مردمی نیست». زیرا مرتبهٔ فرمانروایی (ملכות، Malchus) مرتبه‌ای از تعالی و کناره‌گیری است؛ از این رو جز در قالبِ نامی صرف نمی‌تابد و آشکار نمی‌شود.

5 וזהו יהללו את שם ה' כי הוא צוה ונברא כמו עד"מ מלך ב"ו [בשר ודם] שמלכותו היא שמו לבד אשר

נקרא על מדינתו

و این [معنای] «نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بستایند، زیرا او فرمان داد و آنان آفریده شدند» است؛ مانند مثالی از پادشاهی از گوشت و خون که فرمانروایی‌اش تنها نام اوست؛ نامی که بر سرزمینش خوانده می‌شود،

אבל לא בבחי' התלבשות כח הפועל ממש והתלבשות כח הפועל הוא למטה בע' [בשבטים]

שרים שר של מים שר של כו' שהם משמרי האופנים.

اما نه به شیوهٔ جای‌گرفتن واقعی نیروی سازنده در ساخته‌شده. و جای‌گرفتنِ نیروی سازنده در ساخته‌شده در پایین‌تر است: در هفتاد شاهزاده (شاهزادهٔ آب، شاهزادهٔ ... و غیره) که از تهنشست‌های اوفانیم (طبقه‌ای از فرشتگان؛ اوفנים، Ofanim) هستند.

6 ויש גבוה מעל גבוה שמקבילים ג"כ דרך עילה ועלול עד המלאכים שהם שכלים נבדלים. שהם פני ארי'
[אריה] **פני שור שבמרכבה.**

و [موجوداتی] «بالتر از بالا» نیز هستند که آن‌ها هم از راه علت و معلول دریافت می‌کنند، تا فرشتگانی که عقل‌های مجردند؛ این‌ها چهره شیر [و] چهره گاو در مرکبه هستند.

אבל החיות של פני שור פני ארי' [אריה] הוא יש מאין ממש. דהיינו שהמשכת החיות אשר להם הוא בבחי' אין והארה בעלמא שהוא בחי' שם בלבד ומזה נעשה גילוי היש.

اما نیروی حیات (حיות, chayus) که در چهره گاو و چهره شیر است، حقیقتاً «چیزی از هیچ» است. یعنی، نیرویی که دارند از مرتبه «هیچ» فرود می‌آید و پرتویی صرف است؛ و این فقط مرتبه یک نام است، و از آن آشکارشدن «چیز» پدید می‌آید.

אך תכלית בריאת יש מאין הוא כדי להיות היש בטל לאין ונגלה כבוד ה' למטה כמו למעלה.

اما هدف آفرینش «چیزی از هیچ» این است که آن «چیز» در برابر «هیچ» به خودنفی‌گری (ביטול, bittul) برسد، و «جلال» آشکار شود؛ در پایین، همان‌گونه که در بالا.

7 וכמו שיהיה לע"ל [לעתיד לבוא] כי עין בעין יראו כו' וזה תלוי בעבודתנו כל ימינו היום לעשותם. וכל ישראל יש להם חלק לעוה"ב [לעולם הבא].

چنان‌که در روزگار آینده خواهد بود: «زیرا چشم در چشم خواهند دید»، و الی آخر. و این به خدمت ما در تمام روزهای زندگی‌مان وابسته است: «امروز، برای به‌جا آوردن آن‌هاست.» و «همه اسرائیل در جهان آینده سهمی دارند.»

וצריך כ"א [כל אחד / כל אחת] להמשיך בחלקו גילוי זה להיות בטול היש והוא מחמת ההתבוננות בגדולת א"ס ב"ה שאתה הוא קודם שנבה"ע [שנברא העולם] ואתה הוא כו'

و هر کس باید این تجلی را در سهم خود جاری سازد، تا وجود مستقل به خودنفی‌گری برسد (ביטול היש, bittul hayesh؛ خودنفی‌گری «وجود مستقل»). این از تأمل در بزرگی بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک است، حاصل می‌شود: این‌که «تو همان هستی، پیش از آن‌که جهان آفریده شود، و تو همان هستی»، و الی آخر،

בלי שום שינוי כי אני הוי' לא שניתי שאין העולם מעלים לפניו ית' וכחשיכה כאורה שאין העולם וההסתר אלא לעיני בשר שלנו.

بی‌آن‌که هیچ تغییری رخ دهد، زیرا «من، ה'، تغییر نکرده‌ام»؛ چراکه جهان در پیشگاه او، که متبارک است، چیزی را پنهان نمی‌کند و «تاریکی نزد او همچون روشنایی است»؛ زیرا پوشیدگی و پنهانی فقط برای چشمان جسمانی ما وجود دارد.

אבל קמיה כולא כלא חשיב ממש ומעלה ומטה שוין לפניו שנמצא למטה כמו למעלה ממש.

اما در پیشگاه او همه چیز حقیقتاً هیچ به شمار می آید، و بالا و پایین در برابر او برابرند؛ ازاین رو، او در پایین درست همان گونه حضور دارد که در بالا.

8 וא"כ גם בחי' היש בטל אליו ית'. וזהו כי גדול ה' ואדוניו מכל אלקים.

پس در این صورت، مرتبۀ وجود مستقل [«چیزی» بودن] (יש, yesh) نیز در برابر ה' יתברך در حالتِ خودنهی گری (ביטול, bittul) است. و این [به معنای] «زیرا نام چهارحرفی (ה', Havayah) بزرگ است و سرور ما از همه نام اלקים (אלקים, Elokim) برتر است» است.

ופי' מכל אלקים הם ק"ך צירופי אלקים המעלימים ומסתירים אור ה' וקדושתו לבלתי יתגלה אוא"ס
[اور אין سوف] **ב"ה כמו שהוא שלא יתבטלו העולמות במציאות.**

و معنای «از همه اלקים برتر است» این است: اینها ۱۲۰ ترکیبِ اלקים هستند که نورِ ה' و قدوسیتِ او را می پوشانند و پنهان می سازند، تا نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof), יתברך، آن گونه که هست آشکار نشود؛ تا عوالم در وجودِ خویش به کلی در برابر آن در حالتِ بیטול قرار نگیرند؛

אלא שיהא נראה העולם ליש ודבר נפרד. אבל אור הוי' הוא גדול על כולם ומושל על כולם להיות היש בטל.

بلکه جهان به صورتِ «چیزی» و موجودی جداگانه به نظر برسد. اما نورِ ה' از همه آنها بزرگتر است و بر همه آنها فرمان می راند، تا «چیزی» در حالتِ بیטול باشد.

(וזהו כי אני ידעתי כי גדול כוי'. אני זו כנס"י [כנסת ישראל]. אבל העכו"ם [העובדי כוכבים ומזלות] אומרים עזב הוי' את הארץ. ופרעה אמר לא ידעתי את הוי' כוי'. ולכן נאמר ביתרו אחר שנתגייר עתה ידעתי כי גדול הוי' כוי')

(و این [به معنای] «زیرا من دانستم که [ה'] بزرگ است» و غیره است. «من»: این جماعتِ اسرائیل است. اما بت پرستان می گویند: «ה' زمین را رها کرده است»؛ و فرعون (פרעה) گفت: «ה' را نمی شناسم» و غیره. ازاین رو درباره یِترو (יתרו)، پس از آن که به یهودیت گروید، گفته شده است: «اکنون دانستم که ה' بزرگ است» و غیره.)

והיינו לפי שכל אשר חפץ הוי' נמשך ועשה גם בשמים ובארץ שכולם יש להם ציור ותמונה מבחי' חפץ ורצון הוי' שלא בא לידי גילוי בדבור ומאמר שהוא הפועל הישות.

یعنی، چون هر آنچه ه' خواسته است به پایین جاری می‌شود، و او آن را نیز «در آسمان‌ها و زمین انجام داده است»: زیرا همه آنها از مرتبه خواست و اراده (רצון, ratzon) ه' شکل و صورتی دارند؛ خواستی که در گفتار و بیان به ظهور نیامده است، گفتار و بیانی که پدیدآورنده הישות (yeshus: «چیزی» بودن مستقل) است.

9 וזהו ענין שיתף מדה"ר [מדות הרחמים]. שבכל מע"ב [מעשה בראשית] כתיב ויאמר אלקים ואח"כ שיתף מדה"ר [מדות הרחמים] דכתיב ביום עשות ה' אלקים כו'.

و این معنای «صفت رحمت را با آن همراه ساخت» است: زیرا در سراسر آفرینش آمده است: «و اَلקים گفت»، و پس از آن صفت رحمت را با آن همراه ساخت؛ چنان‌که نوشته شده است: «در روزی که ه' اَلקים آفرید»، و الی آخر.

וזהו למה יאמרו הגוים איה נא אלהיהם שבחי' אלקות הוא בבחי' איה דהיינו בבחי' הסתלקות לפי שאומרים עזב הוי"ה את הארץ

و این [معنای] «چرا ملت‌ها باید بگویند: «اکنون اَلקים ایشان کجاست؟»» است: الوهیت در حالت «کجا» است؛ یعنی در حالت کناره‌گیری، زیرا می‌گویند: «ه' زمین را وانهاده است»،

ואין העולם מתנהג אלא בבחי' אלקים שהוא שם הצמצום והסתלקות להיות העולם יש ודבר נפרד אבל באמת כל אשר חפץ הוי"ה עשה.

و [این‌که] جهان فقط از طریق مرتبه اَلקים اداره می‌شود؛ نام انقباض (צמצום) و کناره‌گیری، تا جهان «چیزی» و موجودی جداگانه باشد. اما در حقیقت، «هر آنچه ه' خواست، انجام داد.»

10 ועל ענין זה מדבר כל המזמור שלמעלה מזה הים ראה וינוס כו'. ההופכי הצור כו'.

تمام مزمور پیش از این درباره همین موضوع سخن می‌گوید: «دریا دید و گریخت» و الی آخر؛ «آن‌که صخره را دگرگون می‌کند» و الی آخر.

שמספר בשבח מעלת שם הוי"ה המושל על שם אלקי' ומשנה הטבע מצור החלמיש שהוא מיסוד האש וממנו מוציא מים

زیرا این مزمور برتری نام ه' را می‌ستاید؛ نامی که بر نام اَلקים (אלקים, Elokim) فرمان می‌راند و طبیعت را دگرگون می‌کند: [همان‌گونه که در مورد] صخره چخماقی، که از عنصر آتش است و از آن آب بیرون می‌آورد.

והיינו לפי ששם אלקים שהוא הצמצום ומעלים להיות בבחי' יש ע"פ הטבע המוטבע בכל דבר לפי מזגו ותכונתו הוא בטל לגבי שם הוי"ה המושל עליו שהוא ענין גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה שכשמו כן הוא. ולכן גם הים ראה וינוס כו':

یعنی، از آن رو که نام **אלקים** - که انقباض (צמצום, tzimtzum) است و می پوشاند، و بدین سان [اشیا] بر پایه طبیعتی که در هر چیز نهاده شده و متناسب با مزاج و سرشت آن است، در مرتبه «چیز» قرار می گیرند - در برابر نام **ה'**، که بر آن فرمان می راند، هیچ استقلالی ندارد؛ و این نام همان آشکارشدن نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، **ב"ה**، می باشد، زیرا او چنان که نامش هست، همان گونه است. از این رو، «دریا نیز دید و گریخت» و الی آخر.

11 והנה כאשר יתבונן וישכיל כל זה האדם. אזי תכלה ותכסוף נפשו ליבטל אליו ית' עד שתחפץ להתפשט מתענוגי עוה"ז ולהפך לבו לגמרי ולדבקה בו וכמ"ש מי לי בשמים כו'.

اکنون، هنگامی که انسان در همه این امور تأمل و تعمق کند، آنگاه جانش مشتاق می شود که در برابر او، که مبارک باد، به خودنفی گری برسد؛ تا آنجا که بخواهد خود را از لذت های این جهان برهاند، دل خویش را یکسره به سوی او بگرداند و به او بچسبد؛ چنان که نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم...» و الی آخر.

ובזוהר אמרו מאן דלא טעים מרירו למיתקו ומהפך חשוכא לנהורא לית ליה חולקא הכא שצריך להפוך טעם מרירו למיתקא.

و در زوهار (זהר) گفته اند: «هر که تلخی [تبدیل شده] به شیرینی را نچشد و تاریکی را به نور بدل نکند، در اینجا بهره ای ندارد.» زیرا باید مزه تلخی را به شیرینی بدل کرد.

12 ומרירו הן תאוות עוה"ז ותענוגים שמושפעים מהיכלות הקליפות. שאין לך דבר למטה שאין לו היכל למעלה כנגדו שממנו בא תוצאת הדבר ההוא והשפעתו.

«تلخ» یعنی امیال این دنیا و لذتهایی که از تالارهای پوسته ها (היכלות, heichalos؛ کליפות, kelipos) جاری می شوند. زیرا هیچ چیزی در پایین نیست که در بالا تالاری متناظر با آن نداشته باشد؛ آن چیز از همان جا پدید می آید و فیض خود را از آن دریافت می کند.

וכל תענוגי עוה"ז אפי' [אפילו] דבר קל ואפי' [ואפילו] המסלסל בשערו הנה החיות ההוא נמשך מהיכלות הטומאה.

و همه لذت های این دنیا، حتی امری ناچیز، حتی کسی که موهایش را تاب می دهد: نیروی حیات (חיות, chayus) او از تالارهای ناپاکی (היכלות) کشیده می شود.

13 ולכן נענש יוסף בשבתו בבית האסורים י"ב שנה על שהיה מסלסל בשערו כדאיתא בגמרא ע"פ ויהי יוסף יפה תואר ויפה מראה מיד ותשא אשת אדוניו כו'.

ازاین رو، یوسف (یوسف) به سبب آن که موهایش را تاب می داد، با دوازده سال زندان مجازات شد؛ چنان که در گمارا (گمرا) درباره آیه آمده است: «و یوسف خوش اندام و خوش چهره بود»؛ بی درنگ: «زن اربابش [چشمان خود را] به او دوخت»، و غیره.

וצריך להפוך לבו לטעום ממש למיתקא טעמו וראו כי טוב ה'. אז תתענג על הוי"ה.

و باید دل را دگرگون کرد تا شیرینی را حقیقتاً چشید: «بچشید و ببینید که ה' نیکوست.» «آنگاه از ه' لذت خواهی برد.»

14 וזה הי' [היה] ענין הקרבנות שנהפך חלב מנפש בהמה ועולה ונכלל באש שלמעלה אשר תאכל על המזבח להיות אשה ריח ניחוח לה'. וכמו"כ [و כמו כן] תהיה התפלה שהיא במקום הקרבנות להלהיב נפשו באש שלמעלה ולהתענג על הוי"ה.

و این معنای قربانی ها بود: چربی نفیس حیوانی دگرگون می شود، بالا می رود و در آتشی از بالا که بر مذبح می سوزاند، جذب می شود تا «قربانی آتشین، رایحه ای خوشایند برای ه'» باشد. همچنین نماز، که به جای قربانی هاست، چنین خواهد بود: جان آدمی را با آتش از بالا شعله ور سازد و او از ه' لذت ببرد.

15 וענין אתהפכת חשוכא לנהורא. הוא שחשך הגשמי של עוה"ז מעשה שמים וארץ שנראים ליש ודבר גשמי יתהפך לנהורא להיות בו גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה להיות היש בטל אליו ית' وנגלה כבוד ה' למטה כמו למעלה.

معنای «تاریکی به نور بدل شد» این است که تاریکی جسمانی این جهان – یعنی ساخته های آسمان و زمین که همچون چیزی (יש، yesh) و امری جسمانی به نظر می آیند – به نور بدل شود، تا نور بی پایان (اُور اَین سوف، Or Ein Sof)، که او متبارک است، در آن آشکار گردد؛ تا آن «چیز» در برابر او، که متبارک است، موجودی مستقل نباشد و «جلال ه' در پایین آشکار شود»، همان گونه که در بالا.

16 והיינו שע"י בחי' טעים מרירו למיתקא שהוא ממטה למעלה להפוך לבو ותאוות עוה"ז לדבקה בו ית' בתשוקה וצמאון כו'

یعنی از طریق مرتبة «چشیدن تلخی [و تبدیل آن] به شیرینی»، که حرکتی از پایین به بالاست: دگرگون کردن دل و خواهش های این جهان، تا آدمی با اشتیاق و تشنگی به او، متبارک باد، بپیوندد،

יאיר אור ה' מלמעלמ"ט [מלמעלה למטה] **במקום החשך של העוה"ז שלא יהיה העולם מעלים אור ה' וקדושתו**

נור ה' از بالا به پایین، در جایگاه تاریکی این جهان خواهد تابید، تا جهان نور ه' و قداست او را پنهان نکند.

וזهو ג"כ ענין נר מצוה ותורה אור נר מצוה היא בחי' העלא' [העלות / העלה] מלמטלמ"ע [מלמטה למעלה]
ותורה אור היא בחי' ההמשכה מלמעלמ"ט [מלמעלה למטה] **וע"י בחי' נר מצוה בא אור התורה:**

و این نیز معنای «فرمان (מצוה, mitzvah) چراغ است و تورات نور است» است: «فرمان چراغ است» **בחינה** عروج از پایین به بالاست، و «تورات نور است» **בחינה** فرودآوردن از بالا به پایین؛ و به واسطه **בחינה** «فرمان چراغ است»، نور تورات می‌آید.

17 **וביאור הדבר. הנה צ"ל ענין אותיות מה ענינם. כי הנה האותיות נחלקות במבטא ע"י ה' מוצאות הפה. אחה"ע מהגרון כו'.**

شرح مطلب این است: اکنون باید روشن شود که حروف چیستند. زیرا حروف در تلفظ، برحسب پنج مخرج دهان دسته‌بندی می‌شوند: حروف **אחה"ע** (Alef, Ches, Hei, Ayin) از گلو ادا می‌شوند و غیره.

وهנה אין המוצאות כלי המבטא דומים לכנור שהוא כלי הנגון שבנגן המנגן עליו מוציא קול שהקול ההוא בא מן תנועת הכנור שמוציא את הקול.

اما مخرج‌های تلفظ، یعنی ابزارهای گفتار، مانند چنگ نیستند؛ چنگ سازی برای نواختن نغمه است: وقتی نوازنده بر آن می‌نوازد، صدایی پدید می‌آورد و آن صدا از حرکت چنگی می‌آید که صدا را تولید می‌کند.

משא"כ האותיות אינן באות מחמת תנועות כלי המבטא שהן ה' מוצאות הפה שהרי מאליהן ומעצמן יוצאות תנועות האותיות בלי שום הכנה וכוונה מכוונת באדם להניע הלשון לאותיות דטלנ"ת. או השפתים לאותיות בומ"ף.

اما حروف چنین نیستند: آنها بر اثر حرکت ابزارهای گفتار، یعنی پنج مخرج دهان، پدید نمی‌آیند. زیرا حرکت‌های حروف خودبه‌خود و از خودشان صادر می‌شوند، بی‌آنکه شخص هیچ آمادگی یا قصد آگاهانه‌ای داشته باشد که زبانش را برای ادای حروف **דטלנ"ת** (Dalet, Tes, Lamed, Nun, Tav)، یا لب‌هایش را برای ادای حروف **בומ"ף** (Beis, Vav, Mem, Pei) به حرکت درآورد.

אלא אדרבה האותיות מניעות את הלשון לאותיות דטלנ"ת והשפתים לאותיות בומ"ף והאותיות מצד עצמן הן מושרשות בנפש עצמה.

בלکه برعکس، حروف اند که زبان را برای ادای حروفِ **دטלנ"ת** و لبها را برای ادای حروفِ **بوم"ף** به حرکت درمی آورند؛ و خود حروف، در ذاتِ خویش، در خودِ نفس ریشه دارند.

18 והנפש היא המוציאה אותן מההעלם אל הגילוי מתחלה באותיות המחשבה ואח"כ באותיות הדבור. וז"ש [וזהו שכתוב] ויהי האדם לנפש חיה.

و این جان است که آن‌ها را از نهان به آشکار می‌آورد: نخست در حروفِ اندیشه و سپس در حروفِ گفتار. و این همان است که نوشته شده است: «و انسان جانِ زنده (**נפש חיה**, nefesh chayah) شد.»

ות"א [ותרגום اونקלוס] לروح ממללא שבחינת האותיות הן בבחי' חיה. כי יש באדם נפש روح נשמה חיה. נפש הוא בחי' אותיות מחשבה ودבור.

و ترگوم اونکلوس [آن را] «روحی گویا» ترجمه می‌کند، زیرا حروف در مرتبۀ حیات (**חיה**, Chayah) هستند. زیرا در انسان جان (**نפש**)، روح (**روح**, Ruach)، جان (**نשמה**, Neshamah) [و] حیات (**حיה**) وجود دارد. **نפש** مرتبۀ حروفِ اندیشه و گفتار است.

19 وروح הוא הבל הלב שהוא קול כלול מאש روح ומים כنודע ونשמה היא בחי' השגת השכל ونשמת שדי תבני.

و روح (**روح**, Ruach) عبارت است از نَفَس قلب، یعنی صدا، که چنان‌که معلوم است از آتش، هوا و آب ترکیب شده است. و جان (**نشמה**, Neshamah) مرتبۀ ادراک عقلانی است: «و نِشامۀ **שדי** به آنان فهم می‌بخشد.»

וחיה היא בחי' חכמה דהיינו מקור החכמה שלמעלה מן ההשגה ושם הוא שרש האותיות אלא שקבען בפה ולא שבראן שם בפה

و حیات (**حיה**, Chayah) مرتبۀ حکمت (**חכמה**, Chochmah) است؛ یعنی سرچشمۀ حکمت که فراتر از فهم و ادراک است، و ریشهٔ حروف در آنجاست. با این‌همه، آن‌ها را «در دهان قرار داد»، نه اینکه همان‌جا، در دهان، آفریده باشد؛

כי בריאותם והתהוותם בשרשם הוא למעלה בבחינת חיה ומשם נמשכו ונתחלקו לכ"ב אותיות לדבר במ אیش ואיש כלשונו.

زیرا آفرینش و پدیدآمدن حروف در ریشه‌شان، در بالا و در مرتبۀ **حיה** است؛ و از آنجا به پایین کشیده شدند و به بیست‌ودو حرف تقسیم گشتند تا هر شخص با آن‌ها مطابق زبان خویش سخن بگوید.

20 ובזה יובן ענין מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] **שמט"ט** [שמטטרון] **קושר קשרים לקונו מתפלתיהן של ישראל.**

با این بیان، گفتار حکمای ما، که یادشان گرامی باد، فهمیده می‌شود: متاترون (מט"ט, Metatron) از دعا‌های بنی اسرائیل برای آفریدگارش گره‌هایی می‌بندد.

כי הנה המלאכים מעלים התפלות לפי שדבור האדם הוא גשמי והמלאכים הם רוחני [روحניים] **שהדבור שלהם הוא כמו מחשבה שלנו וע"י המלאך המקבל התפלה מזדככת התפלה מגשמיות לרוחניות ע"י המלאך ההוא.**

زیرا فرشتگان دعاها را بالا می‌برند، چون گفتار انسان مادی است، حال آن‌که فرشتگان روحانی‌اند و گفتارشان همچون اندیشه ماست؛ و به واسطه فرشته‌ای که دعا را دریافت می‌کند، دعا به وسیله همان فرشته از مادیت به روحانیت پالوده می‌شود.

21 והנה גבוה מעל גבוה עד עולם העליון שבו משכן מט"ט [مטטרון] **وهو קושר כתרים שלמעלה מן הראש ומוחין.**

اکنون، [این روند] «بلندتر از بلند» می‌رود، تا به عالم برین می‌رسد؛ عالمی که جایگاه سکونت متاترون (מט"ט, Metatron) در آن است؛ و او تاج‌هایی را به هم می‌پیوندد که بالاتر از سر و قوای عقلانی (מוחין, mochin) قرار دارند.

וע"י זה ממשיך אותיות חדשות. כי הנה התפלה היא בקשת יה"ר [יהי רצון] **שיתהווה בחינת רצון** و از این راه، حروف تازه‌ای را به پایین می‌کشد. زیرا دعا درخواستی است با این عبارت: «**יהי רצון**» (Yehi ratzon)؛ «باشد که اراده‌ای باشد»؛ یعنی درخواست می‌کند که مرتبه‌ای از اراده (רצון, ratzon) پدید آید.

שכמו שכבר נמשך רצה"ע [רצון העליון] **בחכמה. הנה החכמה מחייבת ע"פ התורה אין יסורים בלא עון** **שהעון גורם יסורים ח"ו** [חס ושלום] **אבל ע"י התפלה יה"ר** [יהי רצון] **נמשך רצה"ע** [רצון העליון] **שלמעלה מבחינת חכמה ושם הוא רחמים פשוטים ורבו פשעים כו'.**

زیرا اراده برین پیش‌تر در حکمت (חכמה, Chochmah) فرود آمده است؛ و حکمت، بر اساس تورات، حکم می‌کند: «هیچ رنجی نیست بی آنکه گناهی باشد»، زیرا گناه رنج می‌آورد، حاشا. اما به واسطه دعا و «**יהی رצון**»، اراده برینی که فراتر از مرتبه **حکמה** است به پایین کشیده می‌شود؛ و آنجا رحمت بسیط است، و «گناهانت بسیارند»، و الی آخر.

22 וזהו שארז"ל [שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] כשישראל אומרים יהא שמו הגדול מבורך כו' הקב"ה מנענע

בראשו. פי' שמנענע וממשיך בראשו הוא רצה"ע [רצון העליון] ב"ה

ו این همان است که حکیمان ما، یادشان به برکت باد، گفته‌اند: هنگامی که اسرائیل می‌گویند: «باشد که نام بزرگ او مبارک باد»، و الی آخر، **הקב"ה** سر خویش را تکان می‌دهد. یعنی سر خود را به حرکت درمی‌آورد و «سر» خویش را به پایین می‌کشانند؛ سر او همان اراده برین است، متبارک باد؛

כי אותו מבקשים יהא שמו הגדול מבורך שיהא ברוך ونמשך שמו הגדול שלמעלה מבחינת השתלשלות שהוא גדול ומהולל מאד.

زیرا درخواست آنان همین است: «باشد که نام بزرگ او مبارک باد»؛ یعنی نام بزرگ او، که فراتر از مرتبه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است، مبارک باشد و به پایین کشیده شود، زیرا «بزرگ و بسیار ستوده» است.

23 והמשכת רצה"ע [רצון העליון] הזה הוא ע"י העלאת אותיות התפלה לשרשן ומקורן כתר העליון ע"י

מט"ט [مسترون]. והיינו לפי ששרש האותיות היא בכתר העליון למעלה מבחי' חכמה ומוחין אלא שראשית הגלוי היא בחכמה שא"א להשכיל ולהשיג כל דבר מושכל כ"א ע"י אותיות.

و فروکشاندن این اراده برین، از راه بالا بردن حروف دعا – به واسطه **מט"ט** (Metatron) – تا ریشه و سرچشمه‌شان، یعنی تاج برین (כתר, Keser)، صورت می‌گیرد. و این از آن روست که ریشه حروف در تاج برین، بالاتر از مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) و قوای عقلانی (מוחין, mochin) است؛ باین‌همه، آغاز ظهور در حکمت است، زیرا فهم و ادراک هیچ امر معقولی جز از راه حروف ممکن نیست.

אבל האותיות עצמן אינן בחי' שכל שא"א לשכל המושג להשיג ענין מהות האותיות בעצמותם אלא שהן לבוש השכל

اما خود حروف در مرتبه عقل نیستند؛ زیرا عقل قابل ادراک نمی‌تواند ماهیت حروف را آن‌گونه که در ذات خود هستند دریابد؛ بلکه آنها جامه‌ای برای عقل‌اند.

והלבוש הזה הוא מבחי' חיצוניות עליון שירד ונתפשט למטה להلبיש את השכל. ומשם יורד עוד להיות אותיות מחשבה ודבור:

و این جامه از مرتبه بُعد بیرونی برین (חיצוניות, chitzoniyyus) است که فرود آمد و به پایین گسترش یافت تا عقل را بپوشاند. و از آنجا باز هم فرود می‌آید تا حروف اندیشه و گفتار شود.

24 והנה התורה נתלבשה באותיות ג"כ עד"ז שאותיות התורה שרשן למעלה מעלה מבחי' התורה.

דאורייתא מחכמה נפקת והאותיות שרשן למעלה בבחי' כתר.

اکنون، تورات نیز به همین ترتیب در حروف پوشیده شد: ریشه حروف تورات بسیار فراتر از مرتبه خود تورات است؛ زیرا «تورات از حکمت (חכמה, Chochmah) سرچشمه می‌گیرد»، حال آنکه ریشه حروف در مرتبه تاج (כתר, Keser) است.

ואותיות מלשון אתא שהוא לשון המשכה. שהאותיות הן המשכות שבהן ועל ידן נמשך להיות התורה.

و واژه حروف (אותיות, otiyos) از واژه «آمد» (אתא, asa) گرفته شده است؛ واژه‌ای که بر فرودآمدن دلالت می‌کند. زیرا حروف، فرودآوردن‌ها هستند که در آنها و به واسطه آنها تورات فرود آورده می‌شود تا پدید آید.

25 והענין כי הנה כתיב כאשר יאמר משל הקדמוני והוא התורה שהתורה נקראת בשם משל הקדמוני.

شرح مطلب این است: نوشته شده است: «چنان‌که مثل ازی می‌گوید»، و مقصود تورات است؛ زیرا تورات «مثل ازی» نامیده می‌شود.

וביאור הדבר ההוא כי הנה ענין המשל הוא להמשיל את הנמשל באופן שיוכן מתוך המשל.

و شرح این مطلب چنین است: کارکرد مثل آن است که امر مورد تمثیل (نמשال, nimshal) را به‌گونه‌ای بازنماید که از خلال مثل فهمیده شود.

והרי המשל הוא ענין אחר שאינו מהות הנמשל. אלא שהנמשל מובן מתוכו ע"י שדומה לו בצד מה.

بااین‌همه، مثل چیزی دیگر است و ماهیت آنچه بازمی‌نماید نیست؛ بلکه آنچه بازمی‌نماید از درون آن فهمیده می‌شود، زیرا از جهتی به آن شباهت دارد.

26 וז"ש [וזהו שכתוב] וביד הנביאים אדמה. וחז"ל [וחכמינו זכרונם לברכה] המשילו מראה הנבואה לאספקלריא

שכמו שרואין באספקלריא הגם שנראית דמות הצורה בתמונתה ובצלמה ממש מ"מ אין זאת גוף הצורה עצמה ממש אלא דמותה ותמונתה.

و این همان است که نوشته شده است: «و به واسطه پیامبران، همانند ساخته می‌شوم.» و حکمای ما، که یادشان گرامی باد، مشاهده نبوی را به آینه (اسפקلریا, aspaklaria) تشبیه کرده‌اند: همان‌گونه که انسان در آینه می‌بیند، هرچند شمایل صورت در شکل و تصویر واقعی خود نمایان می‌شود، بااین‌همه این پیکر خود صورت نیست، بلکه فقط شمایل و تصویر آن است؛

כך כל השגת הנביאים באלקותו ית' אין זה אלא בחי' דמות ודמיון.

به همین‌سان، همه ادراک پیامبران از الوهیت او، که مبارک باد، تنها در مرتبه شباهت و همانندی است.

27 והיינו כמו בחי' משל שממנו מובן הנמשל. אבל באלקותו ית' ממש כתיב כי לא יראני כו' וכמשארז"ל

[וכמו שאמרו רבותינו זכרונם לברכה].

یعنی مانند مثلی است که از آن، معنای مورد تمثیل فهمیده می‌شود. اما درباره الوهیت حقیقی او، تعالی، نوشته شده است: «زیرا [انسان] مرا نخواهد دید»، و الی آخر؛ و چنان‌که حکیمان ما، یادشان گرامی، گفته‌اند.

וז"ש [וזהו שכתוב] בשלמה וידבר שלשת אלפים משל על כל דבר מד"ת [מדברי תורה] כו' דהיינו שאמר על כל דבר מד"ת [מדברי תורה] روحניות הענין

و این همان چیزی است که درباره سلیمان (שלמה) نوشته شده است: «و او سه هزار مثل گفت»، درباره هر موضوعی از سخنان تورات، و الی آخر. یعنی درباره هر موضوعی از سخنان تورات، معنای روحانی آن را بیان می‌کرد.

כמו מצות קרבנות מן הבהמה. ומקריבים חלב ודם ע"ג [על גבי] המזבח בכהן ובגדי כהונה והיה אומר ענין הקרבנות ברוחניות ומהו נקרא חלב ודם ברוחניות ומהו כהן ומהו בגדי כהונה.

برای نمونه، فرمان قربانی‌های حیوانی (מצות, mitzvot)، که در آن‌ها چربی و خون بر مذبح، به‌دست کاهنی (כהן, kohen) و با جامه‌های کهنات تقدیم می‌شوند؛ او موضوع قربانی‌ها را از نظر روحانی توضیح می‌داد؛ اینکه در معنای روحانی چه چیزی چربی و خون نامیده می‌شود، کاهن چیست و جامه‌های کهنات چه هستند.

28 והנה גבוה מעל גבוה כמה מדרגות روحניות זו למעלה מזו. והשיג שלמה בחכמתו שלשת אלפים משל. דהיינו שלשת אלפים מדרגות זו למעלה מזו.

اکنون، [وجود دارند] مراتب روحانی بسیاری، «بلندتر از بلند»، یکی بالاتر از دیگری. و شلومو (שלמה)، به‌واسطه حکمتش، سه هزار تمثیل را دریافت؛ یعنی سه هزار مرتبه، یکی بالاتر از دیگری.

وכולם אינן רק בחינת משל לגבי בחינת אלקות ממש השורה ומתלבש בתורה.

و همه آنها تنها در مرتبه تمثیل اند، در مقایسه با مرتبه الوهیت واقعی که در توراها جای دارد و در آن پوشیده است.

29 והנה שלמה לא השיג אלא שלשת אלפים משל. אבל באמת כך הוא עד רום המעלות לאין קץ שכולם אינן רק בחינת משל לקדמונו של עולם. דהיינו אור א"ס ב"ה ממש שלמעלה מעלה מבחי' וגדר השתלשלות

اکنون، سلیمان (שלמה) تنها سه‌هزار تمثیل را درک کرد. اما در حقیقت، این سلسله تا بلندترین مراتب، بی‌پایان ادامه دارد؛ همه آن‌ها تنها در مرتبه تمثیلی برای ازلی جهان‌اند؛ یعنی خود نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، و بسی فراتر از مرتبه و حدود زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) قرار دارد.

לא בבחי' ממלא ולא בבחינת סובב רק שהתורה נמשכה משם ע"י בחינת אותיות והמשכות.

[این] نه در مرتبة نوری که همه عوالم را پر می کند (مملأ کل علמין, memalei kol almin) است و نه در مرتبة نوری که همه عوالم را فرا می گیرد (סובב כל علמין, sovev kol almin). بلکه تورات از آنجا به واسطه حروف و امتدادها فرود آورده شد.

30 וע"ז ארז"ל [אמר רבותינו זכרונם לברכה] **דוד הע"ה** [העליו השלום] **היה מחבר תורה של מעלה בהקב"ה. דהיינו**

שהמשיך אותיות התורה מאוא"ס [מאור אין סוף] **ב"ה ממש.**

درباره این، حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته اند: پادشاه داوود (دוד)، سلام بر او باد، توراتِ بالا را با قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) پیوند می داد. یعنی حروفِ تورات را از خود نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، به پایین می کشید.

וע"ז"נ [ועל זה נאמר] **אשר יעשה אתם האדם כו'. לעשות אותם. שעשיית התורה היא ע"י האדם.**

וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] **מעלה אני עליכם כאלו עשאוני.**

و درباره این گفته شده است: «آنچه آدمی انجام دهد» و جز این؛ یعنی «تا آنها را بسازد»؛ زیرا پدید آوردنِ تورات به واسطه آدمی است. و چنانکه حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته اند: «آن را چنان به حساب شما می گذارم که گویی مرا ساخته اید.»

וזהו ותורה אור שהתורה מאירה اוא"ס [אור אין סוף] **ב"ה ממש. אך אין אור התורה עולה בשם אור אלא**

ע"י נר מצוה:

و این [معناي] «و تورات نور است» است: تورات خود نور بی پایان (אור אין סוף) را، که او متبارک است، می تاباند. اما نورِ تورات تنها به واسطه «מצוה» (mitzvah [فرمان الهی]) چراغی است» به نام «نور» خوانده می شود.

31 והענין שהארת אור הנר הוא ע"י שיש אויר סביב האור. משא"כ בלא אויר יכבה ולא יאיר כלל.

توضیح این است: درخششِ نورِ چراغ از آن روست که هوا پیرامونِ نور وجود دارد؛ اما بدون هوا، چراغ خاموش می شود و اصلاً نمی تابد.

ולכן אין כופין כלי ע"ג [על גבי] **הנר בשבת שלא יכבה שמחמת כפיית הכלי מונע האויר שסביב האור.**

از این رو، در شبات ظرفی را روی چراغ وارونه نمی کنند، مبدا خاموش شود؛ زیرا با وارونه کردنِ ظرف، هوای پیرامونِ نور مسدود می شود.

32 והיינו כי האויר גורם להיות הארת אור הנר לפי שאויר הוא אותיות אור י' שהאויר הוא מקור האור.

یعنی هوا موجب تابش نور چراغ می‌شود، زیرا واژهٔ **اویر** (avir، هوا) از حروف **اور** (or، نور) و **י** (yud، حرف یود) تشکیل شده است؛ هوا سرچشمهٔ نور است.

כי היו"ד שבהעלם אותיות אויר הוא העלם האור ובו ועל ידו נמשך ויוצא האור מההעלם אל הגילוי.

زیرا یودی که در حروف **اویر** پنهان است، نهانگی نور است؛ و نور در آن و به واسطهٔ آن کشیده می‌شود و از نهانگی به ظهور درمی‌آید.

33 והיינו כמו בחינת אותיות שלמעלה מהתורה ושם הוא שרש ומקור המצות שהן מושרשות ברצה"ע

[ברצון העליון] **ב"ה שלמעלה מהחכמה בחי' דאורייתא מחכמה נפקת.**

و این مانند مرتبهٔ حروفی است که فراتر از توراهاند؛ آنجا ریشه و سرچشمهٔ فرمان‌ها (מצוות، mitzvot) است؛ فرمان‌هایی که در ارادهٔ برین (רצון، ratzon) او، که مبارک است، ریشه دارند؛ اراده‌ای که فراتر از حکمت (חכמה، Chochmah) است، مرتبهٔ «توراها از **חכמה** صادر می‌شود».

ולכן בעשיית המצות שהן בבחינת העלאה מלמטה למעלה למקורן ושרשן בחי' אוי"ר [אויר] אור י' גורם להאיר אור התורה

ازاین‌رو، انجام **מצוות**، که صعودی از پایین به بالا به‌سوی سرچشمه و ریشهٔ خود، یعنی مرتبهٔ هوا (אוי"ר، avir)، یا [و] نور یود (اور י'، or yud) است، سبب می‌شود نور توراها بدرخشد؛

כי כל המצות נק' בשם צדקה. כמ"ש וצדקה תהיה לנו כי נשמור לעשות את כל המצוה הזאת כו'.

زیرا همهٔ **מצוות** به نام دادگری و نیز صدقه (צדקה، tzedakah) خوانده می‌شوند؛ چنان‌که نوشته شده است: «و این برای ما **צדקה** خواهد بود، اگر مراقب باشیم که همهٔ این فرمان (מצוה، mitzvah) را انجام دهیم»، و الی آخر.

34 וצדקה לדלים ואביונים היא המשכה והשפעה להחיות روح שפלים.

و کمک خیریه به فقیران و تهی‌دستان، یعنی **צדקה** (tzedakah)، نوعی فرودآوردن و افاضه است «تا روح فروتنان را جان بخشد».

וכך מעוררים למעלה בחי' המשכות להחיות רוח שפלים דקמיה כולא כלא חשיב והכל נק' שפלים ודלים אצלו ית'. והמשכות וההשפעות הן הן אור התורה. כי אור ושפע הכל א'.

و بدین‌سان، در بالا نیز مرتبه‌ای از جریان‌های فیض برانگیخته می‌شود تا «روح فروتنان را جان بخشد»؛ زیرا «در برابر او همه هیچ به‌شمار می‌آیند» و همگان در نسبت با او، که متبارک است، فروتن و تهی‌دست خوانده می‌شوند. و این جریان‌های فیض و افاضه‌ها همان نور تورات‌اند، زیرا نور و فیض همه یکی‌اند.

35 וזהו שארז"ל [שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] **כל האומר אין לי אלא תורה אפילו תורה אין לו רק צ"ל תורה**

וגמ"ח [גמילות חסדים]

و این همان چیزی است که حکیمان ما، یادشان گرامی، فرموده‌اند: «هر کس بگوید: "من چیزی جز تورات ندارم"، حتی تورات را هم ندارد.» بلکه باید تورات همراه با اعمال نیکوکاری (גמילות חסדים, gemilus chasadim) باشد،

כי בלא גמ"ח [גמילות חסדים] **זו צדקה אין אור התורה מאיר לו.**

زیرا بدون اعمال نیکوکاری، یعنی بخشش نیکوکارانه (צדקה, tzedakah)، نور تورات برای او نمی‌تابد.

וזהו אפי' [אפילו] תורה אין לו. פי' שאין התורה שייכה ומתייחסת אליו רק התורה היא בחי' אותיות הנ"ל.

و این [معنای] «حتی تورات را هم ندارد» است؛ یعنی تورات به او تعلق ندارد و با او نسبتی پیدا نمی‌کند؛ بلکه تورات همان مرتبه حروف یادشده در بالا است.

וזהו אמשיך רוח ואייתי רוח. פי' רוח היינו בחינת אוי"ר [אוי"ר] הנ"ל ומתחלה אמשיך מקור בחי' אותיות. ואח"כ אייתי וממשיך המשכת אור א"ס ב"ה בחכמה ראשית גילוי האותיות להיות התורה אור:

و این [معنای] «روحي می‌کشد و روحي می‌آورد» است. یعنی «روح» (רוח, ruach) همان مرتبه هوای یادشده در بالا (אוי"ר, avir) است: نخست سرچشمه، یعنی مرتبه حروف، را «می‌کشد»؛ و سپس «می‌آورد»، یعنی افاضه نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، را به حکمت (חכמה, Chochmah)، آغاز آشکارشدن حروف، فرود می‌آورد، تا تورات نور شود.

36 ובזה יובן ענין מזוזה מימין וגר חנוכה משמאל כי מזוזה היא בחי' העלאה ממטה למעלה כמו בחי' המצות.

با این، معنای «طومارِ توراتی نصب شده بر چارچوب در (مَزُوزَه, mezuzah) در سمت راست و چراغِ حنوکا (חנוכה, Chanukah) در سمت چپ» روشن می شود. زیرا **مَزُوزَه** مرتبۀ عروج از پایین به بالاست، همانند مرتبۀ فرمان های تورات (מצות, mitzvos).

وعנין המזוזה הוא שכותבין פ' שמע והיה אם שמוע שכתוב שם אחד ואהבת בכל לבבך ובכל נפשך ובכל מאדך בחי' העלאה.

و معنای **مَزُوزَه** این است که فرازهای «بشنو» (שמע, Shema) و «و اگر گوش فرا دهید» (وهיה אם שמוע, VeHayah Im Shamo'a) را در آن می نویسند؛ در آنجا «یکی» و «و با تمام دلت، با تمام جانت و با تمام توانت دوست بدار» نوشته شده است: مرتبۀ عروج.

37 וקובעין בפתח הבית להעלות הבית וכל אשר בו כל רכושו וקנינו בכל התיבות להיות בטלים לאהבת ה' בכל מאדך בכל ממונד.

و آن را بر ورودی خانه نصب می کنند تا خانه و هرچه در آن است، تمام دارایی و اموال او در همه صندوق ها، بالا برده شود و همگی در برابر محبت به **ה'** به خودنهی گری برسند: «با تمام توانت»، یعنی با همه دارایی ات.

ולכן קובעין המזוזה בימין כי וימינו תחבקני כאדם החובק את חברו שמקربو אצלו כך נמשך ימין מקרבת להעלות אליו ית' כל הבא לקרב אליו ית'.

ازاین رو، **مَزُوزَه** را در سمت راست نصب می کنند، زیرا «دست راستش مرا در آغوش می گیرد»؛ مانند کسی که دوستش را در آغوش می گیرد و او را به خود نزدیک می سازد. به همین سان، «دستِ راستِ نزدیک کننده» فرود می آید تا هرکس را که برای نزدیک شدن به او، که متبارک باد، می آید، به سوی او، که متبارک باد، بالا ببرد.

אבל נ"ח הוא המשכת אור התורה. כי היונים רצו להשכיחם תורתך ולכן הוא משמאל. כי מימינו אש דת למו שהתורה נמשלה לאש כנודע.

اما چراغِ حنوکا (חנוכה, Chanukah)، فرودآوردنِ نورِ تورات (تורה, Torah) است؛ زیرا یونانیان کوشیدند «تورات را از یادشان ببرند». ازاین رو، چراغ در سمت چپ است. زیرا «از دست راستش، قانونی آتشین برای آنان»؛ چنان که معروف است، تورات به آتش تشبیه شده است.

38 **ובפרט שעיקר מצות נ"ח להאיר בחוץ ברה"ר** [ברשות הרבים] **ובחי' רבים היינו טורא דפרודא מבחי' ז'**
אומות שגם שם יאיר אור ה' וקדושתו שלא יהא העלם והסתר כמו שהיה בימי חשמונאי שרצו היונים
להשכיחם תורתך.

به‌ویژه از آن‌رو که اصل فرمان دینی (מצוה, mitzvah) چراغِ חנוکا (נר חנוכה, ner Chanukah) آن است که در بیرون بتابد، در قلمرو عمومی (רשות הרבים, reshus harabim: «قلمرو بسیاران»); و مرتبة «بسیاران» همان کوه جدایی (טורא דפרודא, tura difruda) است، از مرتبة هفت ملت: تا آنجا نیز نورِ ה' و قدوسیّت او بتابد، تا پوشیدگی و اختفایی در کار نباشد؛ چنان‌که در روزگارِ حشמוنیان بود، هنگامی که یونانیان خواستند «تورات را از یادشان ببرند».

וכשגברה מלכות בית חשמונאי תקנו להמשיך אור התורה גם במקום הרבים טורי דפרודא:
و هنگامی که پادشاهی خاندانِ حشמוنی چیره شد، مقرر کردند که نورِ تورات را به مکانِ بسیاران، یعنی کوه‌های جدایی (טורי دפרודא)، نیز فرود آورند:

39 **وهנה שרש הז' אומות רישיה דעשו בעטפא דיצחק שהוא מבחי' גבורות שהן בחי' שמאל.**
اکنون، ریشه هفت ملت، «سر عیسو (עשו) در آغوش اسحاق (יצחק)» است؛ و این از مرتبة גבורות (Gevuoros) [صفات قید و سخت‌گیری] است، که همان مرتبة چپ است.

אך הגורם להיות המשכת נר חנוכה בשמאל היינו בחי' המזוזה שבימין שהיא בחי' ההעלאה שע"י
העלאה זו נעשה בחי' ההמשכה הנ"ל ونמשך גם במקום החשך בחינת טורי דפרודא.

اما آنچه سبب فرودآمدنِ چراغِ חנוכה (Chanukah) در سمتِ چپ می‌شود، مرتبة מזוזה (mezuzah) [طومارِ آیات که بر چارچوبِ در نصب می‌شود] در سمتِ راست است، که مرتبة صعود است؛ به واسطه این صعود، فرودآمدنِ یادشده پدید می‌آید، و آن حتی به جایگاهِ تاریکی، یعنی مرتبة کوه‌های جدایی، نیز فرود می‌آید.

כי עיקר הדבר הוא להיות החשך דוקא מאיר דהיינו בחי' אתהפכא חשוכא לנהורא. וזהו שארז"ל
[שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] (סוטה מ"ט) **עלמא אמאי קא מקיים איש"ר** [אאמן יהא שמיה רבא] **דאגדתא.**

زیرا اصلِ مقصود آن است که خودِ تاریکی بدرخشد؛ یعنی مرتبة «تبدیلِ تاریکی به نور». و این همان چیزی است که حکیمانِ ما، یادشان گرامی باد، گفته‌اند (סוטה 49): «جهان بر چه چیز پایدار است؟ بر «آمین، نامِ بزرگ او مبارک باد»ی که در **اگדתا** (Aggadah) [آموزه‌های غیرحقوقی حکیمان] گفته می‌شود.»

כי אגדתא הוא בחי' תרגום שכל התלמוד הוא בל' [בלשון] תרגום. ותרגום הוא בחי' אחוריים דקדושה כנודע.

زیرا اگדתا مرتبة تרגوم است، چون تمام تلمود به زبان تרגوم است؛ و تרגوم مرتبة پشت (אחוריים, achorayim) [بُعدِ پشتی و بیرونی] قداست است، چنانکه شناخته شده است.

וכשנמשך להיות שמיה רבא מברך ונמשך גם בבחי' תרגום שהוא בבחי' אחוריים אזי אתהפכא חשוכא לנהורא וזהו עיקר קיום העולם:

و هنگامی که فرود می آید تا «نام بزرگ او مبارک باد»، و نیز به مرتبة تרגوم، که مرتبة پشت است، فرود می آید، آنگاه تاریکی به نور تبدیل می شود؛ و این حقیقت پایدarmاندن جهان است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/15/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک